

درآمدی بر آشنایی ایرانیان

با اسلام در عصر پیامبر ﷺ

محمد باغستانی

عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

چکیده

اسلام آوردن ایرانیان عصر پیامبر ﷺ به سزاواری مورد توجه پژوهشگران تاریخ اسلام و ایران قرار نگرفته است، در حالی که شواهد و قراین موجود از پایه‌ریزی اصول آشناکننده ایرانیان با اسلام در همین دوره کوتاه حکایت دارد. پژوهش حاضر با هدف روشن‌تر کردن فضای ارتباطی میان جامعه ایرانی و جامعه اسلامی در عصر نبوت انجام شده است.

پیش‌گفتار

یکم - ایجاد دگرگونی در باورهای دینی یک فرد یا یک جامعه، از جمله تغییراتی است که به دشواری صورت می‌گیرد؛ زیرا دین از ابتدایی‌ترین ویژگی‌هایی است که از راه محیط پرورش انسان به وی منتقل می‌گردد و همانند دیگر ویژگی‌های مهم چون زبان، به سرعت بخشی از هویت فردی انسان می‌گردد. و از آن‌جا که هرگونه دگرگونی در اجزاء و بخش‌های هویتی انسان به دگرگونی هویت او می‌انجامد، تبعاً با دشواری‌هایی روبه‌رو است. اگر این دین، بخشی از هویت جمعی یک ملت قرار گرفته باشد برای دگرگون شدن به دلایل فراوان‌تری نیازمند است. دلایل و شواهدی که از جنس اقتناع همگانی باشد نه اجبار آنان. از آن‌جا که تاریخ ایران نشان می‌دهد که از یک هزار و چهارصد و اندی سال پیش تحول بزرگ دگرگون شدن دین ایرانیان

آغاز شده و با گذشت هر چه بیشتر زمان، آیین جدید، هواداران بیشتری در میان ایرانیان یافته و بدل به بخش مهم هویت آنان گردیده، بررسی این موضوع به ویژه در نقطه‌های آغازین آن را، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌سازد. ارتباط پیامبر ﷺ و ایرانیان دستمایه این پژوهش است و روش آن نیز بررسی وقایع کوچک و بزرگ از راه اسناد تاریخی است که در منابع مربوط وجود دارد و مقطع زمانی بحث نیز روزگار حیات رسول خدا ﷺ خواهد بود که بر پایه تقسیمات زمانی، مکانی این دوره دنبال می‌شود.

دوم - حوادث تاریخی به دلایل گوناگون و انگیزه‌های متفاوت، متناسب با تأثیر آن‌ها در زندگی مردمان هر دوره، می‌تواند بازتاب‌های گوناگون در منابع مکتوب و خاطره جمعی مردم داشته باشد. موضوع این پژوهش «آشنایی ایرانیان با اسلام در عصر پیامبر ﷺ» به دلیل پذیرش اسلام در میان مردمان این مرز و بوم، امروزه برای ما ایرانی‌ها می‌تواند مهم باشد، اما در روزگاری که این ارتباط شکل گرفته، به دلایل زیر، بازتاب‌های کمتری در منابع برجای مانده از آن دوران دارد:

۱) در آغاز موضوع ارتباط ایرانیان با اسلام در عصر پیامبر ﷺ به دلیل اولویت‌های طبیعی که نهضت اسلامی در خود شبه جزیره عربستان با آن روبه‌رو بوده، موضوعی فرعی و در حاشیه به حساب می‌آمده است. هر چند با گذشت زمان و برطرف شدن موانع گسترش اسلام در درون شبه جزیره، به ویژه پس از فتح مکه در سال هشتم هجری، موضوع این ارتباط از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده و اخبار آن نیز بیشتر در منابع تاریخ اسلام انعکاس یافته است.

۲) از زمانی که موضوع ارتباط با ایرانیان به‌ویژه از سوی پیامبر ﷺ جدی‌تر دنبال شده تا پایان عمر حضرت، حداکثر چهار سال (۱۰-۶ هجری) فرصت زمانی بوده است. از این رو کمبود اخبار در این باره طبیعی جلوه می‌کند. پس از رحلت پیامبر ﷺ که عصر فتوحات آغاز شده، حجم اخبار مربوط به ایران در منابع موجود تاریخ اسلامی، چندین برابر دوره پیامبر ﷺ شده که این موضوع نیز همانند سیر آن در دوره پیامبر ﷺ، طبیعی است.

بنابراین در این پژوهش، موضوعی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از حجم خبری و روایتی کمتری برخوردار است و هرگز قابل قیاس با دوره پس از پیامبر ﷺ نیست. به دیگر سخن،

پژوهشگری که موضوع ارتباط ایرانیان با اسلام را بخواند در این دوره بررسی کند با دشواری‌های فراوان‌تری در قیاس با پژوهشگری که همین موضوع را در عصر فتوحات بررسی می‌کند، روبه‌روست. در این جا، نیاز بیشتری به بازسازی تاریخ بر اساس همین شواهد اندک وجود دارد^۱.

از این‌رو در این پژوهش نویسنده کوشیده تا بر پایه اندک شواهد موجود، به بازسازی ابعاد گوناگون این ارتباط و سیر آن از آغاز تا پایان عمر پیامبر ﷺ (۵۷۰ م / ۶۳۲) پردازد البته شواهد موجود نیز در دایره روایت‌های تاریخ مندرج در منابع است نه دیگر شواهد^۲.

پیش‌زمینه‌های ارتباط ایرانیان با پیامبر ﷺ در عربستان

چنان که روشن است دوران حضور پیامبر ﷺ در مکه را می‌توان به دو دوره جدا از هم تقسیم کرد:

الف - دوره پیش از بعثت

در این دوره، حضرت محمد ﷺ همانند دیگر مردمان این شهر در آن به دنیا آمد و در چارچوب روابط اجتماعی موجود بزرگ شد، همانند بسیاری از کودکان دوره شیرخوارگی خود را در صحرا گذراند و در کودکی همراه مادر سفری به یثرب داشت و در نوجوانی همراه عمو سفری به شام و بعدها در جوانی هم بار دیگر این سفر را تکرار کرد. هیچ‌گونه گزارشی تاریخی از پدیدار حضرت، با ایرانیان در منابع تاریخی دیده نمی‌شود؛ هر چند می‌توان احتمال برخورد ایشان با ایرانیان را در این سفرهای تجاری پذیرفت.

با وجود این، حوادث و رخدادهایی در این سال‌ها به‌وجود آمده که می‌توانسته تصویری از

۱- استنفورد مایکل، در آمدی بر فلسفه تاریخ، ترجمه احمد گل محمدی، نشر نی، تهران، ۱۳۸۲. مؤلف می‌نویسد: مهارت اصلی مورخ عبارت است از توانایی برای آنچه بوده از روی آنچه هست. (ص ۱۱۲).

۲- دیگر شواهد می‌تواند در آثار و اکتشافات باستان‌شناسی در عربستان یا ایران به دست آید و بر ابعاد پوشیده این ارتباط پرتوی تازه بیفکند که از تخصص نویسنده بیرون است.

ایرانیان و جامعه آنها و اخبارشان در عربستان و شهر مکه زمان پیامبر ﷺ بر جای بگذارد.

نخست: حضور ایرانیان در یمن

در سال تولد پیامبر ﷺ که در تقویم میلادی برابر (۱-۵۷۰م) می شود و در تقویم های اسلامی برابر عام الفیل^۱، ایرانیان به جنوب عربستان حمله کرده و سرزمین یمن را از چنگ باقی مانده حبشیان در آورده، حکومتی محلی تشکیل دادند^۲. این حضور، تا پایان عمر پیامبر ﷺ در سال ۳۲م / ۱۱هـ.، ادامه یافت و به نقش آفرینی ایرانیان در سال های پایانی حیات ایشان انجامید. بازتاب اخبار مربوط به یمن در شهر مکه، محل ولادت پیامبر ﷺ روشن نیست؛ هر چند که داستان عام الفیل و حمله سپاهیان ابرهه از یمن به مکه بیشتر ذهن مکیان را پر کرده بود، تا حمله ایرانیان به یمن و نابودی معجزه آسای سپاه ابرهه بیشتر زبانزد آنها بود، تا نابودی فرزندان ابرهه در حمله ایرانیان به یمن^۳ که بسیار نیز طبیعی بوده است.

دوم: وقوع چند رخداد بزرگ در ایران به هنگام ولادت پیامبر ﷺ

در این میان البته روایتی معجزه آسا از رخدادهایی بزرگ و غیر عادی در ایران به هنگام ولادت پیامبر ﷺ نیز در بعضی از منابع سیره گزارش شده است^۴ که هر چند به دلیل کمبود

۱- هر چند در این باره به دقت نمی توان سال ۵۷۰م را به عنوان سال ولادت پیامبر ﷺ دانست، چنان که اگر این سال نیز پذیرفته شود برابر با عام الفیل نخواهد بود. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: سیره رسول خدا، عباس زریاب خویی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۰، ص ۸۶-۸۸.

۲- بنگرید به: همان، ص ۴۶.

۳- ابن هشام، السیره النبویه، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۹۵، ص ۹۱-۹۵. مؤلف در صفحات یاد شده، اشعار شاعران عرب مانند ابوالصلت و فرزذق را درباره واقعه فیل نقل می کند.

۴- نکته قابل توجه آن که چنین خبری در منابع مهم تاریخی اسلامی چون تاریخ طبری و طبقات ابن سعد نیامده است، چنان که در منابع معتبر سیره مانند سیره ابن اسحاق و سپس ابن هشام و شرح آن در سده هفتم روض الأنف نیز ذکر نشده است، اما در کتاب سیره رسول خدا ﷺ رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی که به فارسی کتاب سیره ابن اسحاق را در سده ششم هجری ترجمه کرده است، در ضمن مطالب مربوط به ولادت پیامبر ﷺ موضوع این اتفاقات خارق العاده را به نقل از دلایل النبوه بیهقی نقل کرده نه سیره ابن اسحاق. بنگرید به: سیره رسول الله، ترجمه

←

اسناد تاریخی لازم امکان داوری تاریخی درباره آن‌ها وجود ندارد^۱؛ اما وقوع چندین حادثه بزرگ همانند فرو ریختن کنگره کسرا، یا خشک شدن دریاچه ساوه و خاموش شدن آتشکده فارس که اولین آن‌ها نماد قدرت سیاسی بزرگ دولت ساسانیان و سومین آن‌ها نماد قدرت دینی بزرگ آیین زرتشت در ایران است می‌تواند پرمعنا باشد؛ چنان که بعضی از پژوهشگران معاصر زرتشتی نیز تعبیرهایی ویژه از این رخدادها داشته‌اند.^۲

این رخدادها اگر امکان اثبات تاریخی داشته باشند، می‌توانسته‌اند در ذهن مکّیان، تأثیر شگرفی بر جای گذاشته و دیدگاه آن‌ها را نسبت به شخص پیامبر ﷺ دگرگون سازد به علاوه آنها را متوجه ایران نماید؛ اما هیچ‌گونه رفتاری از مکّیان که نشان‌دهنده تأثیر پذیرفتن آنان از وقوع این رخدادهای بزرگ در ایران باشد، در منابع تاریخی و حدیثی گزارش نشده است.

سوم: حضور ایرانیان در عراق

سرزمین بین‌النهرین یا عراق پیش از اسلام، بخشی از ایران به حساب می‌آمد و در چند سده پیش از اسلام دولتی دست‌نشانده ایرانیان در شهر تاریخی حیره (کوفه فعلی) به نام آل منذر برپا شده بود که زمینه ارتباط ایرانیان و اعراب عربستان مرکزی (حجاز) را با یکدیگر فراهم می‌آورد، چنان که وظیفه‌ای مهم در برابر صحرانشینان داشت و باید از حملات آن‌ها به

→ سیره ابن اسحاق، رفیع الدین اسحاق بن محمد بن همدانی (قاضی ابرکوه)، ویراسته جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳، ص ۷۶؛ دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعة، ابوبکر احمد بن حسین البیهقی، تعلیق دکتر عبدالمعطی قلجی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۱۰۲.

۱- گذشته از آن که در بسیاری از منابع اولیه چنین خبری نقل نشده است، اما از دیدگاه تاریخی چون رخدادهای مذکور در ایران رخ داده و منابع باقی‌مانده موجود از ایران قبل از اسلام در این باره مطلبی ندارند، داوری تاریخی درباره این رخدادها ممکن نیست و پژوهشگر تاریخ در این زمینه باید سکوت کند و منتظر پیدا شدن قرینه‌ها و شواهد تاریخی مناسب برای داوری‌ها باشد.

۲- بنگرید به: ستیز و سازش زرتشتیان مغلوب و مسلمان غالب در جامعه ایران نخستین سده‌های اسلامی، جمشید چوکسی، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۱. مؤلف این اخبار را در زمره پیشگویی‌های ترکیبی میان مسلمانان و زرتشتیان محسوب کرده است (ص ۷۱-۸۶).

قلمرو امپراتوری ایران جلوگیری می‌کرد^۱. اما به هر حال به احتمال قوی پاره‌ای از اخبار مربوط به ایرانیان مقیم عراق در میان اهالی حجاز و به‌ویژه اهالی شهر مکه بازتاب داشته است.

چهارم: ارتباط بازرگانی ایران با مکه

موقعیت تجاری عربستان به‌ویژه شهر مکه، از گذشته‌های دور، همواره مورد توجه همسایگانش بوده است و ایرانیان نیز به عنوان بازرگان با این منطقه ارتباط داشته و از وضع آن آگاه بوده‌اند. این که ایرانیان در عصر پیش از بعثت پیامبر ﷺ به مکه رفت و آمد می‌کردند، می‌تواند قطعی باشد^۲ و احتمال این که حضرت محمد ﷺ نیز ایشان را دیده باشد وجود دارد.

ب - دوران پس از بعثت آگاهی بعضی از ایرانیان از دعوت اسلامی

سیزده سال بعثت پیامبر ﷺ در مکه نیز، وضعیت در این شهر را دگرگون کرده، چه آن که دعوت تازه‌ای آغاز شده بود که گروهی از فرودستان و بردگان مقیم مکه به آن پیوستند؛ کسانی چون بلال حبشی و صهیب رومی. اما از ایرانیان در این دوره به عنوان هواداران پیامبر ﷺ خبری نیست. همین نکته نشان می‌دهد که آنان به احتمال، تنها به صورت بازرگان به این شهر رفت و آمد داشته و اقامت طولانی نداشته یا کمتر به صورت برده خرید و فروش می‌شده‌اند. البته

- ۱- بنگرید به: اعراب حدود مرزهای روم شرقی و ایران در سده‌های چهارم - ششم هجری، ن. و. پیلوسکایا، ترجمه عنایت‌الله رضا، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه) تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۷۶ به بعد.
- ۲- زریاب خویی از وضع بین‌الملل عربستان و آغاز مداخلات دو دولت بزرگ ایران و روم در این سرزمین یاد کرده است... بنگرید به: سیره رسول الله، ص ۴۶. همچنین در کتاب راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، تألیف آذرتاش آذرنوش، انتشارات توس، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴، از روابط تجاری ایران و حجاز، غذاهای ایرانی، معماری، موسیقی، وسایل زندگی، بازارهای ایرانی، دین‌های ایرانی، داستان‌های ایرانی، شادمانی قریش از پیروزی ایران و... یاد شده است (ص ۲۳۲-۲۴۳)، چنان که در کتاب العلاقة بین العرب و الفرس آثارها فی الشعر الجاهلی، دکتر مصطفی فتیحی اوشارب که از سوی نشر دارالکتب مسعودی در سال ۱۹۹۶ برای بار اول به چاپ رسیده است می‌توان از بازتاب‌های فرهنگ ایرانی در ادبیات اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و نیز شعر عربی مطالب مهمی را مطالعه کرد. چنان که محمد محمدی ملایری نیز در کتاب تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۷۹ نیز در جلد اول، گفتار ششم را به موضوع واژگان مشترک در زبان فارسی و عربی اختصاص داده است. (ص ۲۰۳-۲۳۱).

می‌توان احتمال جدی داد که بازرگانان ایرانی که از سال چهارم بعثت به مکه رفت و آمد داشته‌اند از اخبار مربوط به دعوت اسلامی و درگیری‌های داخلی این شهر مطلع شده‌اند، به ویژه در واقعه مهم هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه که از بندر جدّه صورت گرفته، با توجه به این که این بندر یکی از مناطق استقرار بازرگانان ایرانی بوده^۱، می‌توانسته توجه آنان را به مسلمانان و رهبر آنان جلب کند؛ چنان که واقعه محاصره اقتصادی مسلمانان در فاصله سال‌های هفتم تا دهم بعثت توسط مشرکان نیز نمی‌توانسته از چشم بازرگانان ایرانی مخفی بماند و احتمال این که از سوی مسلمانان محاصره شده برای تهیه کالا از این بازرگانان کمک خواسته شده باشد پیراه نیست.

آگاهی مسلمانان از جامعه ایران

این که اعراب عربستان پیش از اسلام ارتباط ویژه‌ای با ایران داشته و آگاهی‌هایی از جامعه ایرانی داشته‌اند قابل قبول است و در این میان نیز منطقه حجاز تأثیرپذیری فراوانی از آداب و رسوم ایرانی داشته و بعضی از سران قبایل آن مانند ابوسفیان به ایران مسافرت‌هایی داشته‌اند.^۲ اما قرآن به عنوان منبع وحی، آگاهی‌های تازه‌ای را در اختیار جامعه نومسلمان مکه در سال ششم بعثت قرار می‌دهد. این آگاهی واقعه پیروزی نظامی کم دوام دولت ایران بر دولت روم است که بلافاصله پیش‌بینی شده که با پیروزی رومی‌ها در سال‌های آینده معادله به هم خواهد خورد و مؤمنانی که از رفتار پادشاه ایران با نامه پیامبر ﷺ دلگیر شده‌اند، شادمان خواهند شد.^۳ این خبر سیاسی نظامی از دولت ساسانی برای ساکنان مکه به‌ویژه مشرکان مهم بوده است،

۱- فیاض، علی اکبر، تاریخ اسلام، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۹۷۰، چاپ پنجم، ص ۱۱. مؤلف از موقعیت تجاری فوق‌العاده شهر مکه سخن گفته است؛ چنان که آندره میکل هم در کتاب اسلام و تمدن اسلامی، [چاپ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)]، ترجمه حسن فروغی ۱۳۸۱، ص ۵۳، از شکوفایی موقعیت تجاری مکه یاد کرده است.

۲- بنگرید به: راه‌های نفوذ فارسی در فرهنگ و زبان عرب جاهلی، ص ۲۴۰-۲۴۳.

۳- ﴿الْم * غَلَبَتِ الْأَرُومُ * فِی أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ در شأن نزول، سال ششم بعثت سال نزول این آیات ذکر گردیده است. بنگرید به: قرآن ترجمه محمد کاظم معزی، بی‌نا، بی‌تا، ص ۴۳۶، جدول نزول آیات بر اساس ۲۳ سال.

چه آن که به نظر می‌آید در هنگامه درگیری مشرکان مکه با گروه تازه مسلمان این شهر، این خبر، مشرکان را شادمان کرده و زمینه مجادله‌ها و بگومگوهای را میان مشرکان و مسلمانان برانگیخته بود. چنان که یکی از اصحاب پیامبر ﷺ به شرطبندی برای پیروزی آینده رومیان روی آورد.^۱

سال این پیروزی برابر با ۶۱۳ و ۶۱۴م، سال‌های ششم و هفتم بعثت است که در طی حملات دولت ایران، خسرو پرویز موفق شد اورشلیم را تصرف کند^۲ و سپس در سال ۶۲۴م (سوم هجرت) هراکلیوس امپراتور روم موفق به بازپس‌گیری این شهر شد.^۳

بنابراین در این دوره که می‌توان آن را دوره پیش‌زمینه‌های ارتباط نامید، ایرانیان و مسلمانان به دلایل گوناگون از وضع یکدیگر آگاهی‌های تازه یافتند؛ اما مسلمانان به دلیل پیش‌گویی قرآن در انتظار خبر شکست پادشاه ایران در سال‌های آینده بودند و این موضوع، ضمن آن که مجادله‌های کلامی ایشان با مشرکان قریش را دامن زد، پیش‌زمینه‌های ارتباط تازه‌تری در ورای ارتباطات یکسویه پیشین را در عرصه بازرگانی و فرهنگ فراهم آورد.

ارتباطات هدفمند

مرحله اول: ارتباطات هدفمند فردی

در دوران حضور پیامبر ﷺ در مدینه همان‌گونه که گام بلندی در پیشبرد دعوت اسلامی برداشته شد، در ارتباط میان پیامبر ﷺ و ایرانیان نیز این تحول آشکارتر گردید. اگر در مرحله پیشین ارتباطات کلی و اتفاقی معلول عواملی چون تجارت، بازرگانی و همسایگی بود، اما در این مرحله به نظر می‌رسد که با زمینه‌های آماده پیشین، ارتباطات با هدفی مشخص از سوی طرفین دنبال شده است.

نخست مناسب است تا تحولات تازه در وضع دو طرف بیان شود.

۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، بیروت، ۱۹۶۵، ج ۱، ص ۱۰۰۶. مؤلف ماجرای شرطبندی ابوبکر را با بعضی از مشرکان درباره پیروزی آینده رومیان بر ایرانیان نقل کرده است.

۲- بیرنیا، حسن، تاریخ ایران قبل از اسلام، نشر نامک، تهران، ۱۳۸۰، ص ۲۱۹.

۳- همان، ص ۲۲۱.

الف - پیامبر ﷺ و مسلمانان

پیامبر ﷺ با گسترش دعوت خویش و پایداری در برابر مشرکان توانست آواز دعوت خود را به بیرون از مکه بگستراند و زمینه مهاجرت خویش از مکه به یثرب را فراهم آورد و با بیعت‌هایی که از گروه‌هایی گوناگون یثربی گرفت، در مقام حاکم شهری که از آن پس، مدینه‌النبی خوانده شد پای به آن شهر گذاشته، در نخستین اقدام «اصول روابط انسانی» را میان گروه‌های گوناگون موجود در مدینه که شامل مسلمانان (با دو گروه انصار و مهاجران) و نیز یهودیان می‌شد اعلام کند و آرام آرام با حاکمیت اندیشه‌های وحی در قالب آیات قرآن و دستورهای خود نظام تازه‌ای از روابط سیاسی و اجتماعی را در مدینه استوار سازد. و در طی نبردهایی گوناگون پس از ناامید ساختن رقیبان مشرک خود، با آن‌ها قرارداد صلح حدیبیه را به امضا برساند و به عنوان یک قدرت مهم در شبه جزیره عربستان شناخته شود.

ب - ایرانیان

جنگ‌های طولانی میان حکومت ایرانیان با امپراتوری روم که از سال ۶۰۳م آغاز شده بود، در سال ۶۲۲م همزمان با هجرت رسول به مدینه وارد مرحله تازه‌ای شد و نوبت حملات پیاپی رومیان فرا رسید که تا سال ۶۲۷م، یعنی چهار سال پیش از رحلت پیامبر ﷺ ادامه داشت و به شکست کامل خسرو پرویز پادشاه ایران انجامید^۱ و اوضاع داخلی جامعه ایرانی را بحرانی‌تر کرد.

بنابراین هر چه پیامبر ﷺ در مدینه در حال پیشروی به سوی تأسیس یک جامعه، نظام و حکومت تازه‌ای مبتنی بر روابط انسانی بود، ایرانیان دچار بحران‌های سیاسی، نظامی و اجتماعی بزرگ بودند. این دگرگونی و تغییر وضعیت می‌توانست معادله رابطه طرفین را نیز دچار تحول سازد.

سرخوردگی ایرانیان می‌توانست افراد بیشتری از آن‌ها را گوش به زنگ شنیدن پیام‌های انسانی تازه نماید و از سوی دیگر پیشرفت‌های سیاسی، اجتماعی و نظامی پیامبر ﷺ نیز می‌توانست زمینه گسترش دعوت اسلامی به دیگر نقاط شبه جزیره و همسایگانش از جمله

۱- همان، ص ۲۲۰.

ایران را در ذهن مسلمانان و نیز شخص پیامبر ﷺ فراهم تر سازد.

قرآن پایه گذار ارتباط ایرانیان با اسلام

در سال سوم هجرت که مسلمانان در حال نبرد با مشرکان مکه بودند، آیه‌ای نازل شد که چشم‌انداز روشنی از عقاید گوناگون را در میان مسلمانان به وجود آورد. هفدهمین آیه سوره حج، این تابلو را تصویر کرد و مسلمانان علاوه بر شناخت خود به عنوان اهل ایمان، دیگر پیروان ادیان را نیز شناختند، کسانی چون یهودیان، صابئیان، مسیحیان، مجوسیان و مشرکان^۱. نکته مهم در این آیه آن است که «مجوسان» در ردیف پیروان ادیانی چون مسلمانان، یهودیان و مسیحیان قرار گرفته‌اند، نه در ردیف مشرکان مکه.

بنابراین نخستین داوری دینی درباره مجوسیان که ایرانیان بودند راه را برای ارتباطات آینده گشود، ارتباطی که می‌توانست هرگز به نبرد نظامی نینجامد؛ چرا که امکان زیست مسالمت‌آمیز ایرانیان را در کنار مسلمانان فراهم می‌ساخت و زمینه آشنایی آن‌ها با یکدیگر را موجب می‌شد.

نخستین کوشش ایرانیان برای ارتباط با پیامبر ﷺ

در این سال‌ها نخستین اتفاق مهم در روابط میان دو طرف از سوی یک ایرانی آغاز شد که با واکنش فوق‌العاده پیامبر ﷺ به بار نشست.

(روزبه) سلمان ایرانی

آمدن روزبه به مدینه و هجرت او از ایران به سمت حجاز - چه به خاطر حس حقیقت‌طلبی او باشد و چه به خاطر خبرهایی که از آمدن پیامبری در این منطقه شنیده است و حتی اگر آمدن او

۱- آیه هفده سوره حج ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّضَارِ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ در این آیه، واژه مجوس که جدا از مشرکان ذکر گردیده، بر طبق منابع ادبی (که تفاسیر هم از آن‌ها گرفته‌اند) بر ایرانیان تطبیق داده شده است. بنگرید به: لغتنامه دهخدا، چاپ مؤسسه دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۱۷۹۵۳؛ تفسیر کبیر فخر رازی، ج ۳ و ۴، ذیل آیه ۱۲۲ سوره بقره، که مجوس را بر ایرانیان تطبیق کرده است.

را تصادفی بدانیم - نوع برخورد او در هنگام شنیدن خبر ورود پیامبر ﷺ به مدینه که از بالای نخل خرما می خورد را به زیر افکنده و سراسیمه درصدد پیگیری بیشتر از خبر برمی آید، این آمادگی روحی او را نشان می دهد.^۱

چه روزبه را یک ایرانی تنها بدانیم و چه او را نماینده روح ایرانی^۲، می توان او را نخستین ایرانی دانست که درصدد ایجاد ارتباط با پیامبر ﷺ تازه برآمده و نقطه آغازین ارتباط پر دامنه میان قوم خود با پیامبر ﷺ شد.

روایت مربوط ارتباط روزبه به پیامبر ﷺ را چنین وصف کرده اند:

انتظار خبر پیامبر ﷺ

روزبه به نقل روایت های موجود، زمانی که در مدینه به سر می برد، در انتظار خبری از پیامبر ﷺ بوده است.^۳

دیدار با پیامبر ﷺ

روزبه با شنیدن خبر آمدن پیامبر ﷺ از یهودیان بنی قریظه در یک فرصت مناسب به دیدار پیامبر ﷺ شتافته است.^۴

سنجش صدق دعوت پیامبر ﷺ

سلمان با اکثریت اصحاب پیامبر ﷺ از نظر چگونگی ایمان آوردن متفاوت است؛ چرا که آن ها به مردی از میان خودشان و بزرگ شده در فرهنگ شان با ادعای پیامبری روبه رو شده و ایمان می آورند؛ اما روزبه از فرهنگی دیگر و با آگاهی مذهبی از ادیان دیگر به دیدار پیامبر ﷺ

۱- ابن اسحاق، سیره النبی، تحقیق محمد یحیی الدین عبدالحمید، مصر، مکتبه محمد علی صبیح، بی تا، ص ۱۴۳.

۲- افتخارزاده، محمود، اسلام و ایران مذهب و ملیت ایرانی، انتشارات رسالت قلم، تهران، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰-۱۱۱. مؤلف تعابیری نزدیک بین این عبارت را دارد.

۳- رفیعی، سیرت رسول الله ﷺ، ج ۱، ص ۱۹۲.

۴- بنگرید به: همان جا.

رفته و در سه روز متوالی با سه نشانه ویژه صدق دعوت پیامبر ﷺ را آزموده است و سرانجام ایمان می‌آورد!.

بیان سرگذشت خود برای پیامبر ﷺ و یارانش

پس از ایمان آوردن روزبه که اینک سلمان نامیده می‌شد، او به بیان سرگذشت زندگی گذشته خود پرداخته و چگونگی مسافرت‌ها و سرانجام رسیدنش به یثرب را به اطلاع پیامبر ﷺ و یارانش می‌رساند.^۲ در ضمن اخبار او از سرگذشتش وضعیت فعلی وی (بردگی یهودیان) هم مشخص می‌گردد.

واکنش پیامبر ﷺ به رفتار سلمان دوگونه است: کوشش‌های عملی که عبارت‌اند از:

اول: درخواست از روزبه برای اطلاع‌رسانی عمومی

حضرت با توجه به داستان شگفت‌انگیز حقیقت‌طلبی سلمان به عنوان یک غیر عرب و تأثیر زیادی که می‌توانسته در تقویت دل‌های تازه مسلمانان مدینه بر جای بگذارد، از سلمان می‌خواهد تا این ماجرا را برای دیگر مسلمانان نیز بازگو کند.^۳ نتیجه این درخواست دیدارهای بیشتر سلمان با نومسلمانان یثربی و آشنایی بیشتر او با قوانین اسلامی و نیز شناخته شدن بیشتر او در میان مسلمانان بود.

دوم: درخواست از روزبه برای تعیین مبلغ آزادی خود

پیامبر ﷺ در دومین واکنش خود در برابر ایمان آوردن روزبه با توجه به بردگی او از وی می‌خواهد تا با گفت و گو با ارباب یهودی‌اش، از او بخواهد تا مبلغی را برای آزادی‌اش از قید بردگی تعیین نماید.^۴

۱- ابن سعد، طبقات، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ج ۴، ص ۶۱.

۲- همان، ج ۴، ص ۶۲.

۳- صدوق، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه‌المدرسین، بی‌تا، ص ۱۶۵.

۴- بنگرید به: طبقات، ج ۴، ص ۶۲.

سوم: تعیین مبلغ آزادی روزبه

به تشویق پیامبر ﷺ روزبه با ارباب یهودی خود صحبت کرده، عثمان بن اشهل یهودی نیز سیصد درخت خرما و چهل اوقیه طلا را هزینه رهایی سلمان از بردگی اعلام می‌کند.^۱

چهارم: کوشش‌های پیامبر ﷺ برای هزینه آزادی

در این مرحله نیز برخورد پیامبر ﷺ قابل تأمل است. نخست آن که بنا به روایت سلمان، او از سوی پیامبر ﷺ مأمور می‌شود که سیصد گودال برای کشت نخل‌ها بکند و پیامبر ﷺ خود یک یک آن‌ها را به دست خویش بکارد و چنین کرد. چنان که در یکی از جنگ‌ها طلایی که به عنوان هدیه به مسلمانان رسیده بود، به درخواست پیامبر ﷺ به سلمان واگذار شد تا او هزینه آزادی خود کند.^۲

پنجم: نام‌گذاری روزبه از سوی پیامبر ﷺ

در این مرحله پیامبر ﷺ روزبه نومسلمان را پس از آزادی وی که به روایت مقبول‌تر در سال پنجم هجری است، سلمان نام نهاد^۳، او را به جامعه مسلمانان مدینه نزدیک‌تر می‌سازد.

ششم: پیمان برادری سلمان و ابودرداء

پیامبر ﷺ بنا به رسم در سال‌های آغازین ورود به مدینه مهاجران و انصار را برادران یکدیگر قرار داد و برای سلمان برادری مسلمان به نام ابودرداء برگزید. در منابع کهن، شباهت‌هایی ویژه میان سلمان و ابودرداء ذکر شده، از جمله آن که ابودرداء نیز اهل حکمت و دانش بوده و مطالبی حکمی از او نقل گردیده است.^۴

۱- بنگرید به: همان، ج ۴، ص ۶۳.

۲- همان‌جا.

۳- مهاجرانی، سید عطاءالله، بررسی سیر زندگی و حکومت سلمان فارسی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵. نویسنده در صفحات ۴-۱۳۳ تمام اختلاف نظرهای موجود درباره سال آزاد شدن سلمان را نقل و بررسی کرده و در پایان سال پنجم را ترجیح داده است.

۴- طبقات، ج ۴، ص ۶۳.

هفتم: واگذاری کارهای ویژه به سلمان

پیامبر ﷺ در پاره‌ای از روایت‌ها سلمان را فرستاده ویژه خود به خانه همسران و اهل بیتش قرار داده^۱، چنان که در مراسم ازدواج امام علی علیه السلام با حضرت زهرا علیها السلام زمام استری را که حضرت زهرا علیها السلام بر آن نشانده شده بود، در دست سلمان بود^۲.

هشتم: مصاحبت مخصوص با سلمان

گذشته از آن که سلمان به فراوانی از پیامبر ﷺ پرسش می‌کرد و روح تشنه خود را سیراب می‌نمود و حضرت نیز با خوشرویی پاسخ او را می‌گفت^۳، بر طبق پاره‌ای از روایت‌ها، مجلس ویژه پیامبر ﷺ و سلمان گاه تا پاسی از شب به طول می‌انجامید. و حضرت او را از خانواده خود به حساب آورد^۴. همین موضوع دستمایه ده‌ها بحث کلامی میان مفسران و محدثان درباره شأن فوق‌العاده دینی سلمان گردید^۵.

نهم: آموزش سلمان

گذشته از مصاحبت‌ها و مجالست‌های پیامبر ﷺ با سلمان که حضرت او را از علم خود بهره‌مند کرده، در غزوه خندق به دعای پیامبر ﷺ سلمان چند بیت شعر عربی نیز سروده است^۶ و از آینده نیز به او خبر داد که از جمله آن‌ها فتح ایران بود^۷.

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۳۹، ص ۱۳۸.

۲- همان، ج ۲۳، ص ۴۰۱، ج ۴۳، ص ۱۰۴، ج ۱۰۳، ص ۲۶۶.

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۶.

۴- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار احیاء کتب العربی، بی تا؛ ابن اسحاق، سیره النبی، ج ۳، ص ۷۸؛ واقدی، کتاب المغازی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۵- مهاجرانی در کتاب بررسی سیر زندگی و حکمت و حکومت «سلمان فارسی»، در بخش دوازدهم، همه بازتاب‌های این حدیث را در میان اندیشمندان اسلامی نقل کرده است (ص ۱۴۹-۱۵۸).

۶- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۷ و ۳۴۸، ج ۲۵، ص ۳۴۷.

۷- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۸.

ب - کوشش زبانی پیامبر ﷺ دربارهٔ سلمان

در کنار اقدامات علمی حضرت برای ارتقای جایگاه سلمان که به آن‌ها اشاره شد، پیامبر ﷺ در راه تبلیغ شخصیت سلمان نیز از بیان خود استفاده کامل کرد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

ایمان سلمان

پیامبر ﷺ در حدیثی ایمان را ده جزء اعلام کرد و سلمان را بر اوج آن نشانده^۱.

علم سلمان

دریای بی‌ساحل^۲، دارنده علم بلایا و منایا و انساب و فصل الخطاب^۳ و چشمه حکمت و برهان^۴، عبارتهایی هستند که پیامبر ﷺ در سخنان خود با آن‌ها، سلمان را ستوده است.

قوم سلمان

در پاره‌ای از روایت‌ها نیز پیامبر ﷺ به مناسبت تجلیل از شخصیت سلمان از قوم او (ایرانیان) نیز تجلیل کرده و آن‌ها را به دانش دوستی ستوده است^۵.

دفاع از سلمان

گاهی حضرت عملکرد تند بعضی از اصحاب عرب خود در برابر سلمان را به نکوهش گرفته و ملاک برتری افراد بر یکدیگر را تقوای الهی اعلام کرده است^۶.

۱- همان‌جا.

۲- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۲ و ۳۹۱ و ج ۱۶، ص ۳۱۰ و ج ۶۴، ص ۱۶۸.

۳- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۸.

۴- همان‌جا.

۵- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۲ و ۳۹۱ و ج ۱۶، ص ۳۱۰ و ج ۶۴، ص ۱۶۸.

۶- بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۳۴۸.

نتیجه ارتباط پیامبر ﷺ با سلمان

سلمان در پرتو حمایت‌های جدی حضرت رسول ﷺ استعدادهایی را از خود نشان داد که بسیار برای مسلمانان کارساز شد:

۱- مشاور نظامی

غزوه احزاب در میان جنگ‌های پیامبر ﷺ به دلیل تشکیل اتحادیه‌ای از همه مخالفان اسلام (مشرکان - یهودیان) نبرد ممتازی است؛ به ویژه که یهودیان در درون مدینه، مرکز اصلی مسلمانان می‌زیستند و طبق نقشه‌ای بنا بود همزمان با ورود مشرکان به شهر، از درون شهر به مسلمانان حمله کنند. در چنین شرایطی سلمان نظریه حفر خندق را که در میان اعراب سابقه نداشت طرح کرد و پیامبر ﷺ هم پذیرفت و نتیجه نبرد با حفر خندق، دگرگون گردید و مشرکان شکست خورده بازگشتند.^۱

سلمان علاوه بر نظریه‌پردازی خود در این جنگ، بیش از دیگر مسلمانان در حفر خندق مشارکت کرد؛ چنان که انصار و مهاجران می‌خواستند تا از گروه آنان باشد که حضرت رسول سلمان را از خاندان خود اعلام کرد.^۲

در سال هشتم هجری در غزوه حنین سلمان بار دیگر در جمع اصحاب پیامبر ﷺ نشان داد که اعتماد مسلمانان و شخص پیامبر ﷺ به او کاملاً بجا بود؛ چرا که در نبرد با طایفه ثقیف که چاره‌ای جز شکست حصار منطقه نبود، سلمان پیشنهاد استفاده از منجنیق را داد و آن گاه به دستور پیامبر ﷺ خود منجنیق ساخته^۳ که در این نبرد به کار رفته و موفقیت مسلمانان را موجب شده است.

۲- شاگرد قرآنی

سلمان در پرتو حمایت پیامبر ﷺ با قرآن ارتباط زیادی پیدا کرده و قلمروهای این ارتباط عبارت‌اند از:

۱- واقدی، کتاب المغازی، تحقیق دکتر مایسون جرینیس، بیروت، عالم الکتب، بی تا، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲- طبقات، ج ۲، ص ۶۳.

۳- واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۲۷.

الف - شأن نزول

در مجموعه‌های تفسیری موجود، شأن نزول آیاتی قابل توجه در قرآن سلمان است؛ مانند آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر^۱، آیه ۳۸ سوره محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ^۲، آیه ۵۴ سوره مائده^۳، آیه ۶۲ سوره بقره^۴ و آیه ۳ سوره جمعه^۵. در میان این آیات، آیات ۱۷ و ۱۸ سوره زمر به گفته بعضی از مفسران مصداق روشنی چون سلمان دارد؛ زیرا او از کسانی بود که از طاغوت گریخت و به سوی خداوند آمد و سخنان را شنید و بهترین آن‌ها را برگزید.

ب - تفسیر

در منابع تفسیری همچنین از تفسیرها و توضیح‌های سلمان دربارهٔ پاره‌ای از آیات قرآنی به فراوانی یاد شده است که برای نمونه می‌توان به تفسیرها و توضیح‌های سلمان در ذیل

- ۱- ﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ...﴾ که به نقل سیوطی در الدر المنثور، (ج ۷، ص ۵۰۶) قوم سلمان قومی هستند که مورد نظر خداوند بودند.
- ۲- ﴿بَاءَئِهَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾ رازقی به نقل روایت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، آن‌ها را مردم ایران می‌داند. رازی، فخرالدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۵ق، ج ۱۲، ص ۲۲.
- ۳- ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ سیوطی و بسیاری از مفسران دیگر گفت‌وگوهای میان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سلمان دربارهٔ قوم سلمان را نقل کرده‌اند که از نماز و روزه و عبادات آن‌ها سخن گفته است و سپس این آیات نازل شده و بشارت داده است. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۷۹-۱۸۳.
- ۴- ﴿وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ دربارهٔ این گروه که چه کسانی هستند که در آینده به مسلمانان می‌پیوندند، به روایت مفسران گوناگون، پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن‌ها را ایرانیان اعلام کرده است. بنگرید به: سیوطی، الدر المنثور، ج ۸، ص ۱۵۳؛ المیزان، طباطبایی، ج ۱۹، ص ۴۵۱.
- ۵- آیه ۱۷۳ سوره بقره دربارهٔ میتة و خون و گوشت خوک است و آنچه به هنگام ذبح نام غیر خدا بر آن بخوانند... که موجب پیدایش پرشش‌های زیادی در میان اصحاب شده و سلمان روایتی از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که حضرت حلال و حرام را همان چیزی می‌داند که در کتاب خدا بیان شده و آنچه را سکوت شده اندک اعلام کرده‌اند.

آیه‌های ۱۷۳ سوره بقره^۱، ۱۷ سوره آل عمران^۲، ۱۱۴ و ۱۱۵ سوره مائده^۳، ۳۱ سوره اعراف^۴، ۵۵ سوره اعراف^۵، ۲۹ سوره توبه^۶، ۳۷ سوره هود^۷، رؤیای یوسف و رابطه‌اش با همسر عزیز مصر^۸ و آیه ۴۴ سوره حجر^۹، ۲۸ سوره جاثیه^{۱۰}، ۱۷ سوره بقره^{۱۱}، ۹ سوره جمعه^{۱۲}، ۱۱ سوره تحریم^{۱۳}، ۴۳ سوره حجر^{۱۴} و ۴۵-۴۶ سوره حجر^{۱۵}.

۱- ذیل آیه ﴿تُخْرِجُ الْخَبْثَ مِنَ الْأَمْنِ وَتُخْرِجُ الْأَمْنِ مِنَ الْخَبْثِ...﴾ از سلمان نقل شده که مفهوم آیه این است که مؤمن از کافر پدید می‌آید و کافر از مؤمن؛ یعنی ایمان را نشانه زندگی و کفر را نشانه مرگ می‌داند. بنگرید به: همان، ج ۶، ص ۵۳.

۲- ذیل آیه ۱۱۴ و ۱۱۵ مائده که به داستان درخواست عیسی^{علیه السلام} از خداوند برای انزال مائده از آسمان پرداخته شده است، به نقل از منابع تفسیری، سلمان حالت‌های حضرت عیسی^{علیه السلام} را در هنگام درخواست از خداوند به تفصیل توضیح داده است. بنگرید به: تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۳۶۹-۳۷۱.

۳- آیه ۳۱ سوره اعراف درباره خوردن و آشامیدن و اسراف نکردن است که به نقل منابع تفسیری، سلمان روایت کرده که در تورات آمده که وضو گرفتن قبل و بعد از غذا موجب برکت می‌شود. تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۱۹۴.

۴- آیه ۵۵ سوره اعراف درباره حالت انسان در هنگام دعا کردن و خواندن خداوند است. سلمان از پیامبر^{صلی الله علیه و آله} نقل کرده که فرمود پروردگارا شما آگاه و شرم‌کننده و پرکرامت است. وقتی بنده‌ای دستش را به سوی خداوند دراز می‌کند شرم می‌کند از بنده‌اش که او را ناامید کند. بنگرید به: تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۲۲۵.

۵- همان، سوره اعراف، آیه ۵۵.

۶- آیه ۲۹ سوره توبه، درباره پرداخت جزیه، به روایتی واژه صاغرون را سلمان تفسیر کرده است. الدر المنثور، ج ۴، ص ۱۶۹.

۷- آیه ۳۷ سوره هود درباره کشتی حضرت نوح. سلمان مطالبی را درباره کشتی گفته است. بنگرید به تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۱۷۷.

۸- درباره چگونگی دلباختن همسر عزیز مصر به یوسف و رؤیای او به نقل سلمان مطالبی در تفاسیر آمده است، تفسیر قرطبی، ج ۹، ص ۱۷۷.

۹- درباره آیه ۴۴ سوره حجر، شأن نزول آن را سلمان بیان کرده است. همان، ج ۱۰، ص ۳۱ و ۳۲.

۱۰- آیه ۲۸ سوره جاثیه درباره وضع مردم در قیامت. سلمان طول زمان در قیامت را بیان کرده است، همان، ج ۱۶، ص ۱۷۴.

۱۱- آیه ۱۷ سوره واقعه، ولدان مخلدون را کودکان مشرکان می‌داند که در کودکی از دنیا رفته‌اند. همان، ج ۱۷، ص ۲۰۳.

۱۲- آیه ۹، سوره جمعه، در باب نام‌گذاری جمعه. سلمان روایتی نقل کرده است. همان، ج ۱۸، ص ۹۷.

۱۳- آیه ۱۱، سوره تحریم که از شکنجه زن و فرعون یاد شده، سلمان نوع آن را شرح داده است. بنگرید به: تفسیر قرطبی، ج ۱۸، ص ۲۰۳.

ج - ترجمه قرآن به فارسی

در این باره در پاره‌ای از منابع تفسیری نقل است که سلمان نخستین کسی بوده که به دستور پیامبر ﷺ به ترجمه قرآن به فارسی اقدام کرده است.^{۱۶} این ارتباطات عمیق سلمان با متن قرآن که بعدها به‌طور ماندگار در میراث تفسیر اسلامی باقی مانده است، زمینه بسیار مناسبی را برای آینده ارتباطی میان پیامبر اسلام و ایرانیان فراهم کرده است.

نتیجه ارتباط ایرانیان با پیامبر ﷺ در این مرحله آن شد که یک ایرانی نخبه در ردیف مسلمانان قرار گرفت و رفتار پیامبر ﷺ علاوه بر رشد و ارتقای شخصیتی این ایرانی (سلمان) دو نتیجه مهم دیگر را نیز دربر داشت:

الف: نگرش کلی اسلام به انسان‌ها را فارغ از هر ویژگی قومی، جغرافیایی و نژادی در عمل نشان داد که می‌توانست الهام‌بخش آینده این روابط برای ایرانیان باشد و پرسش‌های احتمالی آنان را برای همیشه پاسخ‌گو بوده، زمینه‌ای هموار را برای پذیرش این آیین فراهم آورد.

ب: آگاهی‌های بیشتری از جامعه ایرانی را در اختیار پیامبر ﷺ و مسلمانان قرار داد و آنان را در مرحله بعدی ارتباط کمک کرد.

مرحله دوم: ارتباط پیامبر ﷺ با جامعه ایرانی در سال ششم هجری

چنین به نظر می‌رسد که اسلام آوردن سلمان و سرمایه‌گذاری معنوی پیامبر ﷺ برای رشد و ارتقای شخصیت این ایرانی، حضرت را به اندازه کافی اقناع کرده باشد تا کوشش‌های خویش را

۱۴- آیه ۴۳، سوره حجر که می‌فرماید: ﴿ان جهنم لموعدهم اجمعین﴾ نقل شده است که سلمان با شنیدن این آیه حالت‌های شگفتی پیدا کرد. همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

۱۵- آیه‌های ۴۵-۴۶ سوره حجر، داستان جوان آگاهی نقل شده که با شنیدن آیات عذاب بی‌هوش می‌شد و رفتار سلمان با او در توضیح مفصل ذیل این آیات نقل گردیده است. الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۲؛ مفید، الاهالی، قم، منشورات جامعه المدرسین فی الحوزة العلمیه، ج ۱۴۰، ص ۱۳۶.

۱۶- قرآن قدس، پژوهش دکتر علی رواقی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص بیست و دو مقدمه و شمس الدین سرخسی در المبسوط، چاپ مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۲۴، ص ۳۶ و ۳۷ روایت کرده که ایرانیان از سلمان خواستند سوره فاتحه را برای آنان به فارسی بنویسد، آن ترجمه را در نماز خواندند تا این که زبان آن‌ها به عربی آشنا شد. بنگرید به: اصول کافی، ج ۱، ص ۶۲، به موضوع ترجمه قرآن توسط سلمان اشاره شده است.

برای ارتباط بیشتر با جامعه ایرانی آغاز کند. شرایط امن شبه جزیره پس از قرارداد صلح حدیبیه با مشرکان نیز این فرصت تاریخی را به پیامبر ﷺ بخشید تا بخت خویش را در ارتباط با مردم ایران و تبلیغ دین الهی در میان ایشان بیازماید. اما آنچه پیامبر ﷺ را در این تصمیم راسخ می‌کرد، شرایط تازه‌ای بود که ایرانیان با آن روبه‌رو شده بودند.

تحقق پیش‌گویی قرآنی دربارهٔ ایرانیان

حضرت رسول همانند دیگر مسلمانان، از سال ششم بعثت (۶۱۳-۶۱۴م) که پیش‌گویی قرآن را دربارهٔ آینده سیاسی ساسانیان شنیده بود، در انتظار وقوع آن نیز به سر می‌برد. همزمان با هجرت او به مدینه در سال ۶۲۲م دولت ساسانیان در سرآشویی شکست قرار گرفت و حملات امپراتوری روم نتیجه داد و در سال ۶۲۴م (سوم هجرت) اورشلیم از دولت ایران بازپس گرفته شد و تا سال ۶۲۷م (ششم هجرت) بخش‌هایی از قلمرو ایران نیز به تصرف آنان درآمد. در این شرایط بود که پیامبر ﷺ موقعیت مناسب برای ارتباط با ایرانیان را به دست آورد.

گونه‌های ارتباط پیامبر ﷺ با ایران

پس از آن که در مرحله نخست یک ایرانی فرهیخته با پیامبر ﷺ ارتباط برقرار می‌سازد، در مرحله دوم این پیامبر ﷺ است که می‌کوشد تا ارتباط خویش را با جامعه ایرانی از طریق‌های گوناگون برقرار سازد. در این ارتباط‌سازی گونه و قالب «نامه‌نگاری» برگزیده شده است. دو قالب می‌توانست پیام رسول خدا ﷺ را به جامعه ایرانی آن روزگاران برساند و می‌توان به رغم فقدان منابع تاریخی در این باره احتمال داد کسی که بیشتر از دیگر صحابه پیامبر ﷺ دربارهٔ چگونگی ایجاد این ارتباط، مورد مشورت قرار گرفت، سلمان بوده است؛ چرا که ایرانی فرهیخته‌ای از طبقات برگزیده آن جامعه و مطلع از آداب و رسوم ارتباط با دربار ایران بود.

اول - قالب پیام شفاهی: که با ارسال پیک انجام می‌شد.

دوم - قالب پیام کتبی: که پیام به صورت مکتوب توسط پیک مخصوص ارسال می‌شد.

به نظر می‌رسد که قالب دوم ماندگارتر بود و بعدها نیز می‌توانست مورد استفاده قرار گیرد.

از سوی دیگر پیامبر ﷺ باید مخاطب خود را در جامعه ایرانی برمی‌گزید که دو گروه بودند:

اول: مردم ایران

آنان می‌توانستند مورد خطاب مستقیم پیامبر ﷺ قرار گیرند، اما امکان رساندن این پیام به آنان وجود نداشت؛ زیرا باید سفیری از سوی پیامبر ﷺ به پایتخت ایران یا یکی از شهرهای بزرگ و مهم اعزام شده، ضمن گردآوری مردم در جایی، این پیام را به گوش آن‌ها می‌رساند که این راه مسدود بود و قطعاً حکومت ایران اجازه چنین کاری را به یک شخص بیگانه نمی‌داد؛ آن هم پیامی که در درون خود محتوایی تهدیدآمیز برای حکومت داشت.

دوم: حکومت ایران

دولت ایران هم می‌توانست مورد خطاب قرار گیرد که پیامبر ﷺ این مخاطب را برگزید؛ به این دلیل که راه رسیدن پیام به بخش‌هایی از جامعه ایرانی را فراهم می‌ساخت و پیام فرستنده را مطمئن می‌ساخت که پیام او به مقصد می‌رسد.

گروه‌هایی که در روش دوم می‌توانستند از محتوای پیام با خبر شوند عبارت بودند از:

شخص پادشاه ایران

چرا که او مخاطب اصلی نامه بود.

دیوانیان

چرا که طبق مراسم اداری ویژه نامه‌های این‌چنینی باید در جایی ثبت می‌شد و کسانی هر چند محدود از اصل آن باخبر می‌شدند.

درباریان

معمولاً در مجالس پادشاه ایران نمایندگان از متنفذان مانند فرمانده کل ارتش، موبد

موبدان، صدر اعظم و... حضور داشتند که طرف مشورت پادشاه قرار می‌گرفتند و در چنین موضوعاتی که مربوط به کیان سلطنت و کشور می‌شود حتماً از محتوای نامه مطلع می‌شدند. این گروه‌ها به‌طور طبیعی در جریان محتوای نامه‌هایی از این دست قرار می‌گیرند، اما آگاهی و انتقال محتوا به دیگر طبقات اجتماعی به محتوای نامه و نیز سبک نگارش و کوتاه و بلندی آن مربوط می‌شود.

متن نامه پیامبر ﷺ به کسرا

پیامبر ﷺ در نامه به کسرا او را به شعار توحید و نبوت خود دعوت کرده، اعلام می‌کند که اگر پادشاه ایران اسلام را نپذیرد، گناه مردم ایران (زرتشتیان یا مجوسان) به گردن او خواهد بود.^۱

ویژگی‌های نامه

دعوت دینی

محتوای نامه، دعوت دینی یک پیامبر ﷺ است که یکی از بزرگ‌ترین پادشاه روزگار خود را به دین دعوت می‌کند.

محتوای دعوت دینی

الف - دو اصل توحید و نبوت می‌باشد که مخاطب پیامبر ﷺ، کسرا، با هر دو مقوله آشنا بوده است؛ چرا که آیین زرتشتی را داشته که در آن توحید و پیامبری وجود دارد.
ب - یادآوری مسئولیت: در این نامه تصریح شده که شخص پادشاه ایران مسئول ایمان آوردن یا نیاوردن مردم زرتشتی ایران است. این تصریح از سوی پیامبر ﷺ می‌تواند ناشی از آگاهی ایشان از جایگاه مهمی باشد که شخص پادشاه در فرهنگ ایرانی داشته و حامل فرّه ایزدی بوده است. از این رو مسئولیت بزرگی را در برابر مردم به عهده داشته؛ چرا که نماد قدرت

۱- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۱۲۸.

سیاسی و تقدس دینی است که ایمان آوردن یا نیاوردن او تأثیر بسیار مستقیمی بر جامعه دینی ایران خواهد گذاشت. از این رو پیامبر ﷺ تصریح کرده است که اگر کسرا ایمان نیاورد گناه همه زرتشتیان ایران به گردن اوست. آیا می‌توان بخشی از این آگاهی‌ها درباره جایگاه دینی پادشاه در ایران را مطالب منتقل شده از سوی سلمان به پیامبر ﷺ دانست؟ احتمال دور از ذهنی نیست، به ویژه که پیامبر ﷺ از راه‌های عادی به حل و فصل امور می‌پرداخت و تنها در موارد خاص، وحی الهی آگاهی‌هایی را به وی می‌داده است.

سبک واژگان نامه

سبک واژه‌ها کوتاه، صریح و به‌گونه‌ای تهدیدآمیز است؛ چه که در قالب جملات کوتاه محتوای دعوت بیان شده و صراحت و روشنی هم در آن‌ها وجود دارد و عبارت «اسلم تسلّم» هم می‌توانسته در قالب کوتاه‌ترین واژه‌ها حاوی تهدیدی جدی باشد.

اینک بار دیگر از موضع پادشاه ایران به محتوای نامه نگریسته شود؛ در شرایطی که:

- او درگیر جنگ بزرگ با امپراتوری روم است و شکست‌های پیاپی از آن‌ها خورده. این پیام از

جایی غیر قابل انتظار و از سوی شخصی ناشناخته، می‌توانسته بسیار هول‌انگیز باشد.

- در این پیام، کیان دینی شخص پادشاه نیز مورد تهدید قرار گرفته؛ چرا که بار دیگر به توحید

و نبوت دعوت شده است، همان دو اصلی که پادشاه خود را نماینده و پیرو آن‌ها می‌دانست، اما

از سوی دعوت‌کننده ناشناس به هیچ انگاشته شده است.

- پادشاه ایران از سوی امپراتور روم تهدید سیاسی، نظامی می‌شد که راه مقابله با آن را نیز به

خوبی می‌دانست؛ اما تهدید دینی ابزارهایی متفاوت می‌طلبید، گذشته از آن که خطرات فراوانی

را نیز به همراه داشت؛ چرا که پیوند سلطنت ساسانی با دین زرتشتی اگر تهدید می‌شد

مشروعیت آن به سرعت زیر سؤال می‌رفت، به‌ویژه که خسرو پرویز از خاطره جنبش دینی

مزدکیان^۱ درگذشته نه چندان دور در دولت ساسانی نیز خبر داشت و آثار و پیامدهای منفی آن

را نیز بر نظام سلطنتی ساسانیان می‌دانست.

۱- پیرنیا، ایران قبل از اسلام، ص ۱۹۰.

در این وضعیت، واکنش تند و خشن کسرا پس از خواندن محتوای نامه، می‌تواند راز عصبانیت فوق العاده او را توضیح دهد. آن‌گاه می‌توان حدس زد که در قبال این تهدید دینی سیاسی از سوی یک ناشناس از منطقه‌ای غیر قابل انتظار، جلسه‌ای تشکیل داده باشد و محتوای آن را به سرعت در اختیار بعضی از دیوانیان، افسران عالی‌رتبه و روحانیون بزرگ و اشراف دربار قرار داده باشد. این اقدام او چه از سر تمسخر ناشی از غیر قابل انتظار بودن چنین نامه‌ای باشد و چه از سر جدی گرفتن محتوای آن، یک نتیجه داشته است و آن انتشار پیام به هسته‌های مشورتی دربار بوده است و با توجه به محتوای دینی خاص، احتمال این که روحانیون زرتشتی (موید موبدان) به صورت ویژه در جریان قرار گرفته باشند زیاد است و نیز این احتمال تقویت می‌شود که آن‌ها نیز در رده رؤسای اصلی روحانی در شهرهای بزرگ ایران اطلاع‌رسانی کرده باشند.

چنان که اگر اخبار مربوط به دستور دستگیری پیامبر ﷺ از سوی خسرو پرویز^۱ نیز صحیح باشد، می‌توان یقین کرد که تعداد بیشتری از افراد حکومتی چون بعضی از نظامیان یا فرمانداران شهرهای مرزی نیز از محتوای نامه مطلع شده باشند.

زبان نگارش نامه

تردیدی نیست که نامه به زبان عربی نگاشته شده است. در این صورت پرسش مهم این است که محتوای آن چگونه می‌توانسته نزد ایرانیان مفهوم بوده باشد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که نامه مخاطب خاصی چون شاه ایران داشته و اگر احتمال آگاهی او از زبان عربی ضعیف باشد، اما وجود مترجمان دیوانی که زبان عربی را می‌دانسته‌اند احتمالی قریب به یقین است؛ چرا که سال‌ها بود آن‌ها با دولت‌های دست‌نشانده خود در مناطقی از عربستان چون یمن و نیز دولت آل منذر در مرزهای غربی عربستان ارتباط داشتند و این ارتباط، آنان را نیازمند مترجمانی می‌کرد که آن‌ها را از اوضاع و احوال آن سرزمین‌ها با خبر سازند.

۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۴.

و اگر مخاطب‌های بعدی مراد باشند گذشته از آن که اولاً محتوای مهم این نامه به‌ویژه از نظر دینی کوتاه بیان شده و امکان ترجمه آن را بسیار افزایش می‌داده و به طور طبیعی زمینه انتقال آن را نیز آسان‌تر می‌ساخته، ثانیاً آشنایی بخش‌هایی از جامعه ایرانی با زبان عربی خیلی بیشتر رخ داده و موجب تقسیم زبان پهلوی به زبان پهلوی سره و ناسره شده بود^۱ و این نکته نیز احتمال آگاهی گروه‌های بیشتری از مردم ایران را از محتوای نامه فراهم می‌آورده است.

نامه به امیران و والیان مناطق وابسته به ایران و عربستان

دومین اقدام پیامبر ﷺ پس از ارسال نامه به کسرا، فرستادن نامه‌هایی به امیران و والیان حکومت ایران در عربستان بود. در منابع تاریخی، نام این امیران چنین آمده است:

هرمزان عامل یمن^۲، منذر بن ساوی عامل بحرین^۳ با چندین نامه که در یکی از آنها پیامبر ﷺ به منذر اعلام کرد که تا مادامی که اهل جنگیدن با مسلمانان نباشد از مقام و منصب خود نیز برکنار نخواهد شد و نیز ساکنان این منطقه اگر به آیین یهودی یا زرتشتی خود باشند باید جزیه بپردازند^۴؛ چنان که به شخصی به نام سی بخت عامل ایرانیان در بحرین^۵، و به خاندان اسبذ در عمان^۶ نیز نامه ارسال شده است.

مرحله سوم: ارتباط پیامبر ﷺ با ایرانیان مقیم عربستان در سال هفتم و هشتم هجری

پس از ارسال نامه‌ها در سال هفتم هجری که برابر با سال ۶۲۸م بود، پیشگویی قرآن و پیامبر ﷺ تحقق یافت و با قتل خسرو پرویز، ساسانیان در سرانجام سقوط قرار گرفتند.

۱- نفیسی، سعید، تاریخ نظر و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان سده دهم هجری، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱-۱۲.

۲- حمیدالله، محمد، الوثائق السياسية للاهل النبوی الخلافة الراشدة، دار النفاذ، بیروت، ۱۹۸۷، ص ۱۴۴.

۳- همان، ص ۱۴۵-۱۴۸.

۴- همان، ص ۱۵۳.

۵- همان، ص ۱۵۰.

۶- همان، ص ۱۵۵.

در فاصله سال‌های ۶۲۹ تا ۶۳۰م شاهزاده پوران در ایران به حکومت رسید و پیامبر ﷺ در روایتی به قدرت سیاسی رسیدن زنان را عامل نابودی حکومت‌ها دانستند.^۱ این روایت نیز آشکارا ناظر به وضع بحرانی دولت ساسانی بود که از این زمان تا پایان عمر نه چندان طولانی خود دوازده امیر و حاکم را عوض کرد. در چنین اوضاعی که جامعه ایرانی شاهد فروپاشی دولت ساسانی بود ایجاد ارتباط دوباره پادشاهان کم‌بقای این دولت، از سوی پیامبر ﷺ دیگر ادامه پیدا نکرد؛ اما کوشش‌های حضرت ﷺ به بار نشست و حرکت گروهی ایرانیان مقیم در امیرنشین‌های وابسته به دولت ساسانی چون یمن، به سوی اسلام آغاز شد.

اسلام جمعی ایرانیان مقیم یمن در سال هفتم هجری

در مرحله نخست دو تن از بزرگان آنان از شهر صنعا در یمن به مدینه نزد پیامبر ﷺ رفتند و از سوی باذان حاکم یمن با پیامبر ﷺ گفت‌وگوهایی انجام دادند و هم‌زمانی بازگشت نمایندگان دولت یمن به صنعا با ورود پیک دولت ساسانی که خبر قتل خسرو پرویز را می‌آورد، موجب اسلام آوردن همه ایرانیان مقیم یمن شد و باذان حاکم پیامبر ﷺ در یمن شد و تا سال دهم که از دنیا رفت در سمت خود باقی ماند و پس از درگذشت او هم پیامبر ﷺ پسر او «شهر» را در صنعا جانشین وی کرد و در مخلاف‌های دیگر یمن، اعرابی از اصحاب خود را به امارت فرستاد.^۲

قرآن حفظ‌کننده ارتباط مسلمانان با ایرانیان

در سال هشتم هجرت آیه معروف به جزیه^۳ به پیامبر ﷺ نازل شد و بر طبق آن پیروان دیگر

۱- تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲- همان، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۳- آیه ۲۹ سوره توبه ﴿فَاتَّبِعُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾ که در سال هشتم نازل شده است و فرمان دریافت جزیه را در برابر برقراری امنیت برای اهل کتاب توسط مسلمانان صادر کرده است. بنگرید به: قرآن، ترجمه معزی، ص ۴۳۷، جدول نزول آیات.

ادیان (بجز مشرکان) حق داشتند تا بر دین خود باقی بمانند و تنها به دلیل برخورداری از امنیت در جامعه اسلامی، مالیاتی به عنوان جزیه پردازند. آنچه در ارتباط این آیه با ایرانیان وجود دارد آن است که گروهی از ایشان که مقیم منطقه هَجَر در عمان بودند، درخواست قبول جزیه از سوی پیامبر ﷺ کردند که حضرت نیز پذیرفتند.^۱

سنت پیامبر ﷺ تحقق بخش آیه قرآن درباره ایرانیان

به واقع این کار را باید مهم ترین اقدام پیامبر ﷺ در شکل دادن به مسیر ارتباطی میان ایرانیان و اسلام در آینده به حساب آورد که در سال هشتم هجری آغاز شد. این موضوع را از دو زاویه می توان بررسی کرد:

الف: علت درخواست ایرانیان هَجَر

این درخواست از سوی ایرانیان می تواند مبتنی بر احتمالات زیر باشد:

۱) همراهی با حرکت همگانی در شبه جزیره

در این سال و به دنبال پیروزی بزرگ پیامبر ﷺ در فتح شهر مکه و سقوط مهم ترین پایگاه مشرکان قریش، موجی از تمایل قبایل عرب به سوی اسلام ایجاد شد که به اعزام گروه ها (وفود) انجامید و در سال های بعدی هم ادامه یافت. بنابراین می توان چنین پنداشت که این حرکت متأثر از حرکت عمومی دیگر مردمان در شبه جزیره بوده است.

۲) ترس از شمشیر و نیروی نظامی مسلمانان

این احتمال را هم می توان داد که نیروهای مسلمان، ایرانیان مقیم هَجَر را مورد حمله قرار دادند و آن ها نیز از ترس اقدام به چنین پیشنهادی کرده اند که البته این مورد در تاریخ گزارش نشده و قرینه ای هم بر آن پیدا نشده، به خلاف احتمال اول که جریان وفود در منابع تاریخی به طور قطعی ذکر شده است.

۱- الوثائق السياسية، ص ۱۵۳.

۳) بحران در دولت ساسانی

از آنجا که دولت ساسانی در این سالها در سرایشی سقوط افتاده بود گروه‌های ایرانی وابسته به دولت ساسانی نیز در این امیرنشینها دچار تزلزل شده و به دولت نوظهور و قوی پیامبر ﷺ در شبه جزیره پیوستند، ولی می‌خواستند با حفظ اعتقادات خود از این امنیت برخوردار شوند و از این رو با درخواست اجرای قانون جزیه درباره خود از سوی پیامبر ﷺ این پیشنهاد را مطرح کردند.

ب - علت موافقت پیامبر ﷺ با این درخواست

پیامبر ﷺ در درجه نخست، می‌خواست تا حد ممکن آیات تشریحی قرآن را در حیات خود تحقق بخشد. و آیه جزیه تازه نازل شده در سال هشتم، اینک مصداقی چون ایرانیان ناحیه هَجْر یافته بود که خود درخواست پرداخت جزیه کرده بودند؛ اما آنچه می‌توان از سنت پیامبر ﷺ دریافت عبارت است از:

۱) بیان مشرک نبودن ایرانیان

قرآن در سال سوم هجرت، با آیه هفدهم سوره حج رسماً مجوس را از مشرکان جدا اعلام کرده بود و در منابع لغت نیز مجوس به ایرانیان اطلاق شده است^۱. بنابراین اعلام مشرک (بت‌پرست) نبودن ایرانیان از سوی قرآن در سالها پیش از نامه ایرانیان هَجْر، زمینه نخست ارتباط را فراهم آورده بود.

۲) استفاده از قانون مالیاتی آشنا برای ایرانیان

جزیه که بنا بر نظریه مقبول‌تر، ریشه فارسی دارد و معرب «گزیت» است، در میان ایرانیان رسم مالیاتی شناخته شده‌ای بود و مقررات آن از سوی دولت ساسانی وضع شده و سالها بود

۱- بنگرید به: لغت‌نامه دهخدا، چاپ مؤسسه دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۱۷۹۵۳.

که در ایران اجرا می‌شد^۱. بنابراین اعلام قانون پرداخت جزیه (گزیت فارسی) برای ایرانیان سنتی مطابق با فرهنگ بومی خودشان بود که هیچ‌گونه دشواری برای آنان به‌وجود نیاورد.

۳) تداوم همزیستی مسلمانان و ایرانیان

آیه قرآنی و سنت پیامبر ﷺ راه را برای ادامه زندگی ایرانیانی که نه می‌خواستند در آینده (عصر فتوحات اسلامی) در برابر مسلمانان بجنگند و نه می‌خواستند دست از آیین خویش بردارند فراهم آورده، آنان را بر سر دو راهی مرگ (در صورت نپذیرفتن اسلام) و زندگی (در صورت پذیرفتن اسلام) قرار نداد، بلکه اصل مهم «آزادی انتخاب دین» را که شعار قرآن بود، برای ایرانیان نیز حفظ کرد و خود عامل گسترش بیشتر اسلام در میان ایرانیان شد.

به این ترتیب پیامبر ﷺ آینده ارتباطی ایرانیان در ایران را با اسلام نیز رقم زد؛ چه آن‌که با رحلت آن حضرت و آغاز عصر فتوحات مسلمانان با استناد به همین رفتار پیامبر ﷺ با اهل هجر، ایرانیان را در زمره اهل کتاب قرار داده، تنها با آن گروه از ایشان که مقاومت مسلحانه می‌کردند جنگیدند و اکثریت ساکنان شهرها و روستاها که قانون جزیه را پذیرفتند در امنیت قرار گرفتند و به زندگی خود ادامه دادند. آرام آرام با گسترش حاکمیت اسلامی در ایران از یک سو و نیز مهاجرت‌های دسته جمعی اعراب به ایران و مجاورت آنان با ساکنان این سرزمین، زمینه‌های آشنایی عمومی با اسلام در ایران نیز فراهم آمد.

مرحله چهارم: ارتباط ایرانیان مسلمان با نهضت

اسلامی پیامبر ﷺ در سال دهم و یازدهم هجری

اعتماد پیامبر ﷺ به حاکمیت ایرانیان مسلمان در یمن نتایج زیر را در پی داشت:

دفاع از اسلام در برابر مدعی دروغین پیامبری

نخستین ثمره اعتماد پیامبر ﷺ به اسلام آوردن ایرانیان در یمن و ابقای آن‌ها در مناصب

۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۶۸۹۵.

حکومتی این منطقه، بسیار زود خود را نشان داد. در سال دهم هجری که یکی از مدعیان دروغین پیامبری به نام اسود عنسی در یمن خروج کرد و به مناطق گوناگون حمله کرد و توانست همه والیان پیامبر ﷺ چون معاذ بن جبل، ابو موسی اشعری، خالد بن ولید و... را فراری دهد، تنها در شهر صنعا، پایتخت یمن با مقاومت روبه‌رو شد؛ آن هم از سوی ایرانیان و در این راه، گروهی از آن‌ها به رهبری والی ایرانی صنعا «شهر، پسر باذان» به شهادت رسیدند^۱ و نخستین شهیدان دفاع از حریم نبوت شناخته شدند.

پیروزی بر نخستین مدعی دروغین پیامبری

با تصرف صنعا و رونق حرکت اسود عنسی، بعضی از سرداران ایرانی چون فیروز به فرمان پیامبر ﷺ با طرح نقشه‌ای زیرکانه توانستند اسود را در حرکتی غافلگیرانه به قتل برسانند که در روایتی پیامبر ﷺ صداقت آن‌ها را تصدیق کرد^۲.

مقاومت در برابر جنبش ارتداد

نکته جالب آن که پس از رحلت پیامبر ﷺ نیز همین ایرانیان صادق مسلمان در برابر اعراب از دین برگشته در منطقه یمن مقاومت کرده، از دین پیامبر عرب در برابر ارتداد هم‌نژادان او حمایت کردند^۳.

ایرانیان مسلمان یمن در مقام صحابی پیامبر ﷺ

در منابع حدیثی به نام کسانی چون باذان، دادویه، فیروز دیلمی، و هب بن منبّه، هم‌ام بن منبّه، معقل بن منبّه، عمر بن منبّه، بکار بن عبدالله بن سهرک و عبدالصمد بن معقل برمی‌خوریم

۱- بیرنیا، تاریخ ایران قبل از اسلام، ص ۲۳۹.

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۳۴.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸.

که از صحابه پیامبر به حساب می‌آمدند^۱.

اگر قطع ارتباط بازرگانی میان ایران و شهرهای عربستان در جنوب و شمال و مرکز آن در سال‌های پایانی حکومت ساسانی گزارش نشده باشد که در منابع موجود چنین گزارشی وجود ندارد، می‌توان حدس زد که بازرگانان ایرانی که از راه خشکی و دریا به شبه جزیره عربستان رفت و آمد می‌کردند شاهد این تحولات بوده‌اند:

(۱) تشکیل یک حکومت مقتدر و واحد در سراسر شبه جزیره عربستان به ویژه پس از فتح مکه.

(۲) ارتباط انسانی و مردمی فوق‌العاده میان حکومت و ساکنان شبه جزیره.

(۳) برقراری امنیت در سراسر این سرزمین.

(۴) آیین نو و ساده که روابط انسانی را گسترش داده بود.

(۵) ارتباط با ایرانیان مقیم یمن و نیز عمان و بحرین، چه آنان که مسلمان شده بودند و چه آنان که جزیه پرداخت می‌کردند.

(۶) رفتار فوق‌العاده انسانی پیامبر ﷺ به عنوان حاکم عربستان با مردم در قیاس با پادشاهان ساسانی به‌ویژه ایرانیان.

با اطمینان می‌توان گفت که با توجه به سرعت تشکیل حکومت و اقتدار مسلمانان در فاصله ده سال در سراسر شبه جزیره، اخبار این تحولات می‌توانسته در کنار کالاهایی که رد و بدل می‌شد مهم‌ترین سوغات برای اهالی ایران باشد، در زمانی که حکومت آنان در فاصله سال‌های ۶۲۸ تا ۶۳۲ چهار سال پایانی عمر پیامبر ﷺ در سرایشی سقوط افتاده و بیش از ۱۲ نفر در این مدت کوتاه به حکومت رسیدند و ساقط شدند.

هیچ بعید نیست که آن‌ها اخبار آخرین حج پیامبر ﷺ را به‌طور مستقیم به خاطر حضور در بندر جده یا انبار کالاهای خود در مکه شنیده باشند و یا از حاجیانی که از سراسر شبه جزیره به مکه آمده و برگشته بودند؛ به‌ویژه این جمله که در خطبه‌های حجة الوداع نیز تکرار شد که فرمود: «لا فضل لعربی علی عجمی الا بتقوی الله...».

این شعار تساوی، دوی درد جامعه مبتلا به تبعیض و نظام طبقاتی ایران بود. آنان خبر احترام

۱- بنگرید به: محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران، ج ۱، ص ۳۴۸-۳۵۳. مؤلف شرح احوال مختصر هر یک از صحابیان را نقل کرده است.

پیامبر ﷺ به سلمان و دیگر ایرانیان و شخصیت یافتن روزافزون آن‌ها را در حکومت تازه عربستان هم با شفقتی شنیده بودند و هم با شگفتی در بازگشت برای هم‌وطنان خود نقل می‌کردند.

در این بررسی، که در طی آن به استناد شواهد موجود تاریخی کوشش شد تا ارتباط متقابل پیامبر ﷺ با ایرانیان بازسازی شود، نتایج زیر می‌تواند حاصل این تعامل باشد:

الف - به دنبال کوشش بعضی از ایرانیان برای ارتباط با پیامبر ﷺ و واکنش مناسب حضرت، کسی چون سلمان توانست در حلقه مشاوران و یاران نزدیک پیامبر ﷺ قرار گیرد و در نبرد مهم با ادامه تاکتیک نظامی ویژه، موجبات پیروزی‌های مهمی را برای مسلمانان فراهم آورد، به‌ویژه در نبرد احزاب که اگر آن تاکتیک نظامی (حفر خندق) نبود، شرایط به گونه‌ای بود که احتمال پیروزی مشرکان بیش از مسلمانان بود.

ب - رفتار پیامبر ﷺ با سلمان و به‌ویژه روایت‌هایی که به مناسبت بزرگداشت سلمان در ستایش از قوم او (ایرانیان) بیان کرد، می‌توانست برای دیگر ایرانیانی که بعدها مخاطب اسلام قرار می‌گیرند نیز جذاب و امیدبخش باشد.

ج - کوشش‌های پیامبر ﷺ پس از صلح حدیبیه برای ارتباط با ایرانیان وارد مرحله تازه‌ای شد. نامه‌های آن حضرت، پادشاه و فرمانداران بعضی از شهرهای وابسته به ایران را مورد خطاب قرار می‌داد.

د - سبک و متن نامه در انتشار سریع محتوای آن مؤثر افتاد و علاوه بر مخاطب اصلی، طبقات صاحب منصب دربار نیز مطلع شده و به احتمال به دیگران نیز انتقال داده‌اند.

ه - نامه‌نگاری‌های پیامبر ﷺ با ایرانیان مقیم در شهرهای وابسته به امپراتوری ایران در شبه جزیره مؤثر افتاد و آن‌ها یا جزیه پرداخت کردند؛ مانند اهالی حَجْر یا مسلمان شدند؛ مانند ایرانیان مقیم یمن.

و - حاصل این ارتباط و تعامل میان ایرانیان و پیامبر ﷺ آن شد که ایرانیان مسلمان شده یمن در ردیف نخستین مدافعان اسلام درآمدند و با قتل نخستین مدعی پیامبر (اسود عنسی) ارادت قلبی خود را به دین تازه و پیامبر ﷺ آن دادند.

ز - پایه‌های اصلی رابطه میان ایرانیان و اسلام در عهد پیامبر ﷺ گذاشته شد و آینده این ارتباط را روشن کرد.